

یک اتفاق

حقیقی، گلستان و مجابی در بزرگداشت تورج حمیدیان

■ **شرق:** در واپسین روزهای تیر سال گذشته، خبر از دست رفتن تورج حمیدیان، معمار و عکاس هنرمند جامعه معماران و عکاسان ایرانی را در افسوس و اندوهی عمیق فرو برد. امروز هم‌زمان با یکمین سالار گذشت این هنرمند مراسمی با هدف بزرگداشت یک عمر خدمات هنری او در سالان استاد جلیل شهناز خانه هنرمندان برگزار می‌شود. این مراسم از ساعت ۱۵ با سخنرانی ابراهیم حقیقی، لیلی گلستان، جواد مجابی و سعید شهلاپور بر گزار می‌شود.

آینه‌های روبه‌رو

انتشار دوباره پژوهشنامه ادبیات کودک پس از چهار سال

■ فصلنامه پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان پس از چهار سال توقف، بار دیگر از زمستان امسال منتشر خواهد شد. فصلنامه پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان که تنها مجله تخصصی ادبیات کودک در بخش خصوصی بود و مدت ۱۳سال بدون وقفه منتشر شده بود، در زمستان ۱۳۸۶ از انتشار بازماند و از زمستان ۱۳۹۰ بار دیگر منتشر خواهد شد. این مجله با انتشار فراخوانی موضوع ویژه شماره آینده‌اش را «ادبیات وحشت برای کودکان و نوجوانان» و همچنین موضوع نقد ویژه این شماره از آثار جمشید خانیان اعلام کرده است. در فراخوانی که برای شماره آینده پژوهشنامه منتشر شده، آمده است: ادبیات وحشت به خصوص برای گروه سنی نوجوان از پرطرف‌ترین کتاب‌هاست. بررسی در بازار کتاب ایران نیز حاکمیت از آن دارد که در میان رمان‌ها و داستان‌های بلند نوجوانان بیش از همه از ادبیات وحشت استقبال می‌شود و این نوع کتاب‌ها در صدر پر فروش‌های کتاب‌فروشی‌ها قرار دارند. با این همه، گاهی برخی منتقدان و کارشناسان نسبت به این همه علاقه نوجوانان به داستان‌های ترسناک ابراز نگرانی می‌کنند. مثلا چندی پیش روزنامه گاردین انگلستان یادداشتی از منتقدی منتشر کرد که از انتشار و تبلیغ ادبیات وحشت ابراز نگرانی کرده بود. البته این مقاله بازتاب‌های فراوانی میان نویسندگان انگلستان داشت و واکنش‌های بسیاری را برانگیخت و اغلب پاسخگویان این نگرانی را می‌ورد دانستند. با این حال به نظر می‌رسد این موضوع در ایران شاید به گونه‌ای دیگر قابل بررسی باشد. نکته اول اینکه در ایران تألیف ادبیات وحشت رونق چندانی ندارد و کتاب‌های به نسبت موفق این حوزه از انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کنند. دیگر اینکه به نظر می‌رسد، این نوع ادبیات در کشورهای دیگر نوعی از ادبیات در کنار دیگر انواع ادبی است که خواننده دارد، اما در کشور ما ادبیات و به خصوص داستان‌های عاطفی و عاشقانه با سانسور و همچنین خودسانسوری روبه‌رو هستند و به این جهت ادبیات وحشت در غیاب ادبیات عاطفی و عاشقانه، می‌تواند تأثیری جدی‌تر بگذارد. از بسوی دیگر، همه آثاری را که زیر عنوان ادبیات وحشت منتشر می‌شوند، نمی‌توان یکسان پنداشت. این داستان‌ها هم از نظر سبک و فرم و هم از نظر محتوا با هم تفاوت‌هایی دارند و گاه حتی در ژانرهای مختلفی قرار می‌گیرند که بحث و بررسی کلی را ذیل این عنوان دشوار می‌کند. در واقع هر شکل از بررسی، نیازمند دقتی‌تر شدن و شفافیت بیش‌تر است. با این حال همه انواع ادیبانی که به ترس و وحشت همچون کارکرد ادبیات توجه دارند، یا به قول آر آل استاین، نویسنده پرطرفدار ادبیات وحشت، داستان‌هایی که موثر تر نوجوانان سیخ می‌کنند، می‌توانند ضمن کار کردهای متفاوت‌شان از برخی جنبه‌های مشترک نیز بررسی شوند.

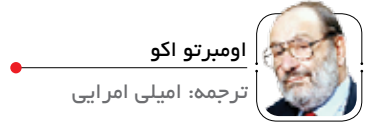
محورهای فراخوان به شرح زیر است:

-ادبیات وحشت و انواع آن /ویژگی‌های ادبیات وحشت برای کودکان/ مطالعه موردی آثار نویسندگان پرطرفدار یا موفق ادبیات وحشت به خصوص نویسندگانی که آثارشان در ایران مورد توجه قرار گرفته است/ گزارش از بازار کتاب کودک و نوجوان ایران و جایگاه ادبیات وحشت/علل و عوامل استقبال از ادبیات وحشت/ کارکردهای ادبیات وحشت و تأثیرات آن بر کودکان و نوجوانان/ ادبیات وحشت و ارتباط آن با ادبیات عاطفی و عاشقانه (حضور پررنگ ادبیات دلوره در غیاب ادبیات عشقی و عاطفی) / علت بی‌میلی یا ناتوانی نویسندگان ایرانی در تألیف داستان‌های وحشت.علاقه‌مندان می‌توانند مقاله‌ها و آثارشان را به این نشانی ایمیل کنند: pazhuheshnameh. a. k@gmail. com

خبر آخر

آثار صوتی موزه موسیقی آرشو می‌شود

■ براساس تفاهنامه میان مرکز موسیقی هیلدسهایم و موزه موسیقی مقرر شد، مرکز موسیقی هیلدسهایم از نظر فنی، موزه موسیقی تهران را حمایت کند. رایمون فوگلس، رئیس مرکز موسیقی هیلدسهایم گفت: این تفاهنامه همکاری به منظور محفوظ نگه‌داشتن آثار موسیقی و فرهنگی ایران و دسترسی دانشجویان و محققان ایرانی و خارجی به آرشیو موزه موسیقی است. رئیس مرکز موسیقی هیلدسهایم که تجربه زیادی در زمینه آثار موسیقی قدیمی دارد، موزه موسیقی، را مرکز حرفه‌ای در زمینه موسیقی خواند و گفت: آرشیو صوتی موزه موسیقی، میراث انسانی ارزشمندی است. همچنین وی افزود: کیفیت موزه موسیقی ایران در حد استاندارد جهانی است و نمایشگاه سازها و بخش پژوهشی موزه موسیقی فضای مناسبی را به وجود آورده است که در موزه‌های اروپا چندان این فضا دیده نمی‌شود. همچنین هماهنگی خوبی بین بخش‌های مختلف موزه وجود دارد که با خاصیت موسیقی هماهنگ است.



اومیر تو رکو

ترجمه: امیلی امرایی

«**گورستان پراگ**» تازه‌ترین رمان «**اومیر تو‌اکو**» است، رمانی که اکتبر ۲۰۱۰ منتشر شد و میلیون‌ها نسخه از آن در ایتالیا، آرژانتین، مکزیک و اسپانیا به فروش رفت و حالا با نسخه انگلیسی این موفقیت را تکرار می‌کند. «اکو» این‌بار هم به سیاق همیشه بعد از انتشار کتابش یادداشتی خطاب به خوانندگاناش نوشته‌است:

■ ■ ■

قرن نوزدهم سرشار بود از وقایع وحشتناک و مرموز: پروتکل بزرگان صهیون، جعل اسنادی مبنی بر رسوایی که بعدها دستمایه هیتلر شد، فرنی پر از دسیسه‌های هولناک، فرقه‌های ماسونی، توطئه‌های یسوعیون و حقایق دیگری که چون مستند نشده‌اند شاید باورشان دشوار باشد. و زمان جدید من، «گورستان پراگ» از همین واقعیت‌ها سرچشمه می‌گیرد، همین جعل‌ها و توطئه‌ها درون‌مایه

اصیلی رمان را ساخته‌اند. در این کتاب همه چیز بر مبنای مستندات باقی‌مانده است، اصل و اساس داستان از حقیقت سرچشمه می‌گیرد و باید بگویم برایتان یک رمان تاریخی نوشته‌ام. در واقع جدای از قهرمان اصلی داستان همه چیز و همه شخصیت‌های «گورستان پراگ» واقعی هستند، تنها بخشی از این داستان که زاده خیال من است قهرمان اصلی است که او هم برای خودش یک جعل‌کننده حرفه‌ای است و من لازم داشتمش... البته که حتما در قرن نوزدهم مردمانی با این خصوصیات زیاد بودند. حتی پدربزرگ قهرمان داستان که نام‌های مرموزی می‌نویسد و یک ضدسامی تأثیرگذار است هم در واقعیت وجود داشت. و قهرمان داستان من اینجا همان آدمی است که در زدوبندها با سازمان‌های اطلاعاتی روزگار قرن نوزدهم که بیشتر شبیه به فرقه‌های قدرتمند بودند چنان اروپا را تحت‌تأثیر

آنها در میان ما هستند

قرار می‌دهد که قرن‌ها بعد آن دسیسه‌ها دامن ما را رها نمی‌کند. حتی پایگاه این دسیسه‌ها هم بیش از هر جای دیگری در تورین و پالرمو و پاریس بود. من می‌خواستم چهره یک دوران را خلق کنم و شما را با این ساختار و زبان به این روزگار اوج شقاوت ببرم. اینجا فقط رویارویی نیک و بد نیست، من مدت‌ها با این آدم‌هایی که روزگاری در دنیای ما راه رفته‌اند درگیر بودم، با شرارت‌های این آدم‌ها دست و پنجه نرم کرده‌ام. خیلی وقت‌ها میبوت مانده‌ام، وقتی داشتم درباره «اپولیونیو نیا» می‌نوشتم پپیام را یک لحظه هم نبود که چاق نکنم، او و طرفداران دیگر گاریبالدی در این رمان یک‌جوری من را در خلسه فرو برده بودند. من این لحظه‌ها را در قالب رمانم می‌آوردم، اما هر بار که به این نکته می‌اندیشیدم که اینها در واقعیت رخ دادند خشکم می‌زد. فاضلاب‌های پر از اجساد متلاشی شده، کشتی‌هایی

اکران عجیب «خیابان‌های آرام»

کمال تبریزی: مجوز دارم، اجازه تبلیغ ندارم



عکاس: بهنام مومنی. ژانر: تهرقی

روش‌های نوین حمایت از سینمای ایران است. ما حق هیچ‌گونه تبلیعی برای نمایش این فیلم نداریم. مردم آهسته بیابند و فیلم را در کمترین تعداد ممکن ببینند و آهسته بروند. خدایا به داد مظلومیت سینمای ایران برس...» تبریزی با گلریزه از تهیه‌کننده فیلمش ادامه داد: «از آقای رضوی، تهیه‌کننده محترم نیز گله دارم. تقریباً هیچ عکس‌العمل مناسبی در برابر بلایابی که بر سر فیلم نازل می‌شود ندارد. هیچ اعتراضی را در برابر این موضوع منعکس نکرده است و حتی از من خواست که اصلاحات بیشتری را نسبت به آنچه اعلام شده، انجام دهم

با ماه‌های محرم و صفر شود. به تهیه‌کننده و پخش‌کننده هم اعلام شده است که حق هیچ‌گونه تبلیعی، نه در سطح شهر و نه در تلویزیون نداریم.» تبریزی معتقد است: «این تصمیم برای اولین بار در طول تاریخ سینمای ایران از طرف مسوولان برای شرایط نمایش یک فیلم سینمایی، گرفته می‌شود. در واقع با زبان بی‌زبانی یعنی اینکه، دوست ندارند مردم این فیلم را ببینند و تا جایی که امکان دارد، فیلم خیابان‌های آرام باید کمترین بیننده را داشته باشد.» کارگردان «لیلی با من است» با اشاره به شرایط اکران خیابان‌های آرام ابراز عقیده کرد: «این روند از سیاست‌ها و

شب بیداری برای مورا کامی



گاردین:کتاب جدید مورا کامی به نام IQ84 در نیمه شب راهی فروشگاه‌های کتاب در انگلیس می‌شود. این رسم در گذشته برای کتاب‌های هری پاتر انجام شده بود و برای مورا کامی نیز تکرار شده است. رمان آخر مورا کامی اولین رمان طولانی اوست که پس از کافکا در کرانه پنجاهشبه شب راهی کتاب‌فروشی‌ها خواهد شد.

دوزخ نجوی منتشر شد

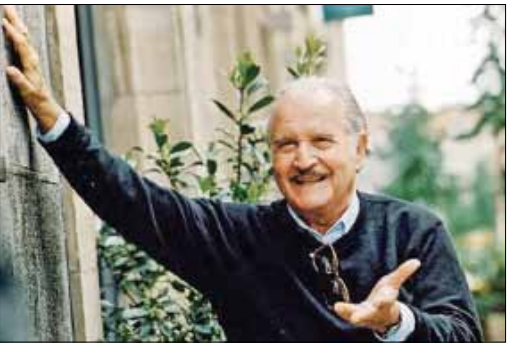


شرق:مجموعه عکس‌های جیمز نجوی در کتابی با نام «دوزخ» منتشر شد. این کتاب حاصل سفرهای جیمز نجوی به ۹ کشور درگیر جنگ، بلایای طبیعی یا تبعیض نژادی از جمله رومانی، هند و سومالی است. «دوزخ» حاوی عکس‌های مستند اجتماعی و جنگ‌های دهه پایانی قرن بیستم است که منعکس‌کننده قسمتی از تاریخ معاصر است.

وزیر ارشاد به مجلس احضار شد

شرق: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی این روزها با روی گشاده نمایندگان مجلس روبه‌رو نیست. او قرار است در روز اول آبان به کمیسیون فرهنگی برود تا در مورد موضوع ممیزی آثار، مسایلی از سینما، اجرا نشدن قانون منع استفاده از الفاظ بیگانه و البته حضور نیافتن ایران در نمایشگاه کتاب فرانکفورت و غرفه‌ای که به نام ایران بوده ولی مسدود شده، پاسخ دهد. علی مطهری، نماینده مجلس در هیات نظارت بر مطبوعات و عضو کمیسیون فرهنگی با اعلام خبر سوال از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسه غیرعلنی مجلس به مهر گفته است: «کمیسیون فرهنگی سوال از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را در دستور کار جلسه غیرعلنی خود قرار داده است. من شخصا مواردی چون ممیزی کتاب، مسایلی از سینما و اجرا نشدن قانون منع استفاده از الفاظ بیگانه را در نظر داشتم که مساله حضور نیافتن ایران در نمایشگاه کتاب فرانکفورت و غرفه‌ای که به نام ایران بوده ولی مسدود شده است، به سوالام از وزیر ارشاد اضافه شد. «در همین حال غلامعلی حدادعادل، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس درباره سوال از وزیر فرهنگ و ارشاد گفت: «بله،

بهترین عکس شهید العالم با نام «تشنا ماهی است که اهمیت دارد»؟ از روزخانه برهماپوترا گرفته شده است. او در مورد این عکس به گاردین گفت: ماهیگیران به من گفتند که دریا یک حیوان وحشی است و دریاچه بار خاله آنها را ویران کرده است. برای گرفتن این عکس شهید العالم سه روز روی آب با ماهیگیران همراه شد تا در روز آخر توانست تصویر نور نظر خود را به دست آورد.



دانش‌آموزان مکزیکي در طول دوره دبیرستان حداقل پنج رمان از کارلوس فوننتس را باید به‌متونان کتاب درسی مطالعه کنند. براساس قانون جدید وزارت آموزش این مطالعه‌ها اجباری است. فوننتس منچی سون جوان مکزیک نام گرفته است. کتاب «سرنوشت و اشتیاق» بیست و چهارمین رمان فوننتس نمایش از مکزیکوسیتی معاصر از دید خوزه-فرخیکو، دو دوست-دشمن بلندیروز است.

کلبه کوچکمن

آیین یاداری (۷۳)

اردشیر خرمکوب

■ در حال نوشتن این مطلبم که در کلبه گشوده می‌شود. مرد زمین‌دوست را به بیرون فرامی‌خواند و او را به بیرون از کلبه می‌برد.به هنگام خروج، چهره ترسیده خود را به سمت من برمی‌گرداند. جوان از باب همراهی تا دم در کلبه با او می‌رود. او را می‌پرند و در را به روی بهت ما دو تا می‌بندند. در کلبه کوچک ما، یک جلد انجیل فرسوده نیز هست. دو برگ انتهایی آن سفید و ناوشسته است. شاید این چند برگ را برای دل‌نواشتای، سپید وپناهده‌اند. با حوصله و با خطی خوب و ریز، بر آن دو برگ می‌نویسم:

دوست عزیز، سلام

هر که هستی باش. به هر دلیل اگر در این کلبه کوچکی، بیا و برای مدتی همه گذشتات را در هم بیچ و در گوشه ذهنّت باگنجائی کن. اگر می‌خواهی روزها و شب‌های این کلبه تنهایی بر تو اسان گذر کنند، به این کلبه که برایت می‌نویسم توجه کن. که من، خود، همانند تو، ماه‌ها در یکی از این کلبه‌ها بودم.

۱- تلاش کن به خاطرات گذشتات مراجعه کنی. مرور این خاطرات، به‌خصوص در این شرایط، روان تو را می‌خراشد. در «حال» زندگی کن.

۲- اگر اهل دعا و نیایشی، از این فرصت نهایت بهره را ببر و به این فکر کن، چه چسب همه دست به دست هم داده‌اند تا تو، چند صبح‌ای با خدای خود خلوت کنی.

۳- واگر اهل روزنایز نیستی، به هدف‌های بزرگ انسانی بیندیش. اینکه مثلا چگونه فردی چون «لسون ماندلا» بیست‌وشش سال زندان را چگونگی و به چه هدفی تحمل می‌کند.

۴- ورزش را فراموش نکن. حدودا نیم-ساعت قبل از ظهر و نیم-ساعت پیش از خواب ورزش کن. من خود دویدن را انتخاب کرده‌ام. درجا می‌دم. این ورزش کردن، هم سلامتی تو را تضمین می‌کند. هم تو را از افسردگی و افکار تمام نشدن‌ات بازمی‌دارد و هم خستگیات می‌کند که شب‌ها را بکسر بخوابی. در غریبان صورت، شب‌های دیرپا و کندگذری خواهی داشت!

۵- پیش از آنکه به گذشته بیندیشی، به آینده فکر کن! واگر به بی‌گنجائی‌ات ایمان داری، در کنار اندیشیدن، از همه استعداد عقل و فهم و آگاهی‌ات، برای اثبات بی‌گنجائی‌ات سود ببر. مگر اینکه خودت قبول داشته باشی که در وسط یک اقیانوس بزرگ و توفانی، شنا کردن، مثل به استقبال رفتن است.

۶- از هیچ فرصتی برای استعجام غفلت نکن.

۷- هر وقت دلت گرفت و احساس تنهایی به تو هجوم آورد، به این فکر کن که یکی از شرایط و مراحل «بزرگ شدن» عبور از همین مسیر است که در تو آبی! به و این فکر کن که تو تنها نیستی و در کلبه‌های کوچک چپ و راست و اطراف تو، هستند کسانی که مثل تو از عافله فریزند، وای بسا وضعیت روحی و زندگی‌شان از تو سخت‌تر باشد!

۹- خودت را درگیر فکرکردن به کارهای بر زمین مانده‌ات نکن. انجام همه آنها را به خدایی بسپیر که سامان‌دهنده هر ریز و درشت هستی است. برایت صبوری آرزو می‌کنم. سرت را بالا بگیر و قوی باش!

ادامه دارد

نگاه مسوول

واکنش شمقدری به سلحشور

■ **شرق:** در حالی که انجمن بازیگران سینمای ایران در حال بررسی صحبت‌های تند و توهین‌آمیز فرج‌الله سلحشور درباره زنان سینمای ایران بود، جواد شمقدری معاون سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با انتشار بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن دیدگاه‌های این کارگردان، سینماگران را به دو دسته تقسیم کرد. این در حالی است که سلحشور بعد از انتشار بیانیه پنج نفر از بازیگران زن سینما در محکومیت صحبت‌هایش در گفت‌وگو با خبرگزاری شبستان از زنان بازیگر عذرخواهی کرد. در بیانیه شمقدری با اشاره به این جمله ارم(ره) که «ما با سینما مخالف نیستیم با فحشا مخالفیم» تاکید شده است: سینمای ایران همواره از دو سو مورد هجوم و فتنه‌انگیزی بوده است: کسانی که خارج از حوزه سینما هستند و هنوز نگاه شکناکه به سینما دارند و واژه سینما را همچنان مترادف فساد و فحشا تلقی می‌کنند و به هر حرکتی در جهت پروراندن و توجه به سینما، مخالف بوده و هستند و گروه دیگری که درون خانواده بزرگ سینما جا خوش کرده‌اند و تصور کرده‌اند نظام انقهر به سینما و سینماگران وابسته شده که حاشیه امن پیدا می‌کنند و می‌توانند در حريم امن سینما به خواسته‌های نامشروع و بعضا فتنه‌انگیز و گاه مفسده‌جویانه خویش دست بزنند. شمقدری معتقد است: «چه گروه اول که خارج از سینما هستند و چه گروه دوم که در درون خانواده سینما نفوذ کرده‌اند در یک اقلیت محض به سسر می‌برند و اگر چه گاه به گاه مزاحمت‌هایی برای جریان زلال و ارزشمند سینمای کشور ایجاد می‌کنند اما قادر نیستند سینمای ایران را که اکنون در تالش است نقش مهم و استراتژیک و ارزشمندی را در راستای اهداف و آرمان‌های نظام و انقلاب بر عهده بگیرد دچار تزلزل و ضعف کنند.» در پایان این بیانیه آمده است: «معاونت سینمایی بر خود فرض می‌داند که پشتیبان و یار و مدافع هنرمندان و سینماگران خوب کشورمان باشد و نسبت به هر اظهار نظر و رفتار که از دایره حق و راستی خارج شود واکنش منطقی در چارچوب قوانین و مأموریت‌های خود خواهد داشت. از همه سینماگران و هنرمندان عزیز مجادله می‌خواهم نسبت به آر ا اظهارات و منطقی و اصلاح‌جویانه یکدیگر با نیت خیر خواهانه برخورد کنند و بیش از این فضای رسانه‌ای را ملتهب نسازند که به نفع سینمای ایران نیست»